

حادثه‌ها

### سرقت دوربین‌های مداربسته برای تأمین هزینه موادمخدر

**● شوق:** سارق دوربین‌های مداربسته منازل غرب تهران بعد از دستگیری گفت برای تأمین هزینه اعتیادش دست به دزدی می‌زد. سرهنگ ضراغام آذین رئیس کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس گفت: روز جمعه در پی شایکت شهروندی مبنی بر اینکه دوربین مداربسته منزل مسکونی‌اش که خارج از خانه‌اش نصب شده، به سرقت رفته است، پرونده‌ای تشکیل شد و موضوع توسط تیم عملیات کلانتری مورد بررسی قرار گرفت. وی افزود: در بررسی وی‌وی‌ا در دوربین مداربسته مشخص شد سرقت توسط راننده خودرو سوناتا آلبالویی رنگ صورت گرفته است. سرهنگ آذین تصریح کرد: با بدهدستی امن پلاک خودرو، دستگیری مالک آن در دستور کار پلیس قرار گرفت و پس از اخذ نیابت قضائی، مالک خودرو که زنی ۳۰ساله است،

به کلانتری احضار شد. وی افزود: مالک خودرو در اظهارات خود مدعی شد که برای تعویض فیلتر و روغن، خودرو را در اختیار نامزد قرار داده است. رئیس کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس با بیان اخذ دستور قضائی برای دستگیری متهم، گفت: مأموران عملیات کلانتری برای دستگیری متهم به محله پونک اعزام شدند که در نهایت متهم به همراه یک نفر دیگر دستگیر شد. وی افزود: پس از رؤیت خودرو در پارکینگ منزل متهم، در بازرسی از آن هفت دستگاه دوربین مداربسته کشف شد. سرهنگ آذین اظهار کرد: متهم در زمان دستگیری به سرقت دوربین‌های مداربسته اعتراف کرد و پس از انتقال وی به کلانتری و انجام بازرجویی‌ها، به بیش از ۶۰ فقره سرقت دوربین‌های مداربسته اقرار کرد و در برسی سابق وی مشخص شد چندین مرحله به علت نگهداری و حمل مواد مخدر و شرب خمر توسط پلیس دستگیر شده است. وی افزود: همدست متهم نیز مدعی شد از سرقت‌ها بی‌خبر بوده و به بهانه گشت و گذار به محلات رفته و متهم نیز پس از پارک‌کردن خودرو به بهانه انجام خرید اقدام به سرقت دوربین‌ها می‌کرده است و پلاستیک به دست به سمت خودرو باز می‌گشت و بسته را داخل صندوق عقب می‌گذاشت.

به گفته رئیس کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس، متهم اصلی پرونده ۳۰ساله و دارای دو فقره سابقه حمل و نگهداری مواد مخدر، یک فقره سابقه شرب خمر و چهار ماه در حبس بوده و یک‌ماهی از آزادی وی، از زندان می‌گذرد. سرهنگ آذین خاطرنشان کرد: بنا بر اظهارات متهم، وی به دلیل طردشدن از خانه برای تأمین هزینه مواد مخدر، مصرفی خود این دوربین‌ها را سرقت و پس از درج آگهی فروش در سایت‌های کالای دست دوم اقدام به فروش اموال سرقتی می‌کرده است.

### اخاذی درپوشش فروشنده اجناس درمترو

**● شوق:** دو فروشنده کلابردار در ایستگاه مترو امام خمینی (ره) دستگیر شدند. سرهنگ سعید عطااللهی رئیس پلیس مترو تهران بزرگ، گفت: چندی پیش کلبیی توسط پلیس و خیرگزارای‌های کشور مبنی بر اینکه افرادی تحت پوشش دست‌فروش وارد مترو شده و از شهروندان کلاهبرداری می‌کنند، منتشر شد. وی افزود: این افراد با عنوان دست‌فروش به سالن‌های مترو رفته و با ترغیب‌کردن شهروندان برای خرید از آنها، به فروش محصولات ارزان‌قیمت خود اقدام می‌کردند. سرهنگ عطااللهی تصریح کرد: شهروندان پس از انجام خرید قصد پرداخت وجه کالای خریداری‌شده را داشتند که پس از استفاده از کارت بانکی و انجام تراکنش متوجه خرابی دستگاه کارت‌خوان و عدم پرداخت وجه می‌شدند. این مقام انتظامی افزود: فروشنده اعلام می‌کرد دستگاه کارت‌خوانش خراب است و باید از کارت‌خوان دوستش استفاده کند. در همین حین پس از کشیدن کارت در دستگاه دوم، فروشنده اعلام می‌کرد که مشکل کارت‌خوانش برطرف شده و مجدد اقدام به تراکنش کرده و از خریدار رمز بانکی وی را سؤال می‌کرد و خریدار هم بدون توجه به اطراف خود رمز را با صدای بلند به فروشنده اعلام می‌کرد. رئیس پلیس مترو پایتخت ادامه داد: از سوی دیگر فرد دوم با واردکردن رمز اعلام‌شده در دستگاه خود، اقدام به برداشت وجه می‌کرد و در کسری از زمان به صورت هم‌زمان از دو دستگاه برداشت وجه از حساب فرد خریدار صورت می‌گرفت که یکی از تراکنش‌ها بابت مبلغ خرید کالا و دیگری نیز مبلغ دلخواهی بود که متهم اقدام به برداشت از حساب شهروندان می‌کرد. وی افزود: دو نفر از متهمانی که با این شیوه در ایستگاه‌های مترو اقدام به کلاهبرداری از شهروندان می‌کردند، روز جمعه شناسایی و دستگیر شدند. سرهنگ عطااللهی اظهار کرد: شهروندانی که به این شیوه از حسابشان برداشت شده است، برای شناسایی متهمان به دفتر آگاهی پلیس مترو در ایستگاه امام خمینی (ره) مراجعه کنند. وی با بیان اینکه در پی شیوع کرونا، طرح فاصله‌گذاری اجتماعی در حال اجراست، افزود: چنانچه شهروندان خرید ضروری ندارند از دست‌فروش‌های دوره‌گرد در مترو خرید نکنند و در صورت انجام خرید تمام مراحل تراکنش بانکی را خودشان انجام دهند تا هم مسائل بهداشتی رعایت شود و هم رمز کارت بانکی‌شان در اختیار دیگران قرار نگیرد. رئیس پلیس مترو پایتخت خاطرنشان کرد: در ایام کروناییی از انجام خرید در مترو و از دست‌فروش‌های دوره‌گرد خودداری و برابر پروتکل‌های بهداشتی از ماسک و دستکش در ایستگاه‌های مترو استفاده شود.

شوق: مرد جوانی که متهم است با همدستی سه نفر دیگر خانه دکتر مصدق را با جعل سند فروخته و صدها میلیارد تومان کلاهبرداری کرده است، در دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت.

به گزارش خبرنگار ما، پرونده فروش خانه دکتر مصدق و سرقت آثار نفیس و هنری آن از سال ۹۲ به جریان افتاد. آن زمان صاحب فعلی خانه از خارج از کشور به ایران آمد و متوجه شد خانه به فروش رفته است. مرد نرژتمند بعد از انجام تحقیقات گسترده درخواست بازداشت مرد کلاهبردار را مطرح کرد و گفت این زن متعلق به دکتر مصدق بود که او آن را از وارثان دکتر مصدق خریداری کرده است. این در حالی بود که تحقیقات مأموران نشان داد متهم این پرونده و همدستانش چند پرونده دیگر نیز دارند و زمین ویلاهای دیگری را هم فروخته‌اند.

پرونده با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته در جلسه رسیدگی به این پرونده ابتدا وکیل صاحب خانه دکتر مصدق در جایگاه قرار گرفت و شایکت خود را ارائه داد. او گفت: متهم ردیف اول به نام آرش با تشکیل یک باند و به صورت سازمان‌یافته اقدام

به جعل و کلاهبرداری کرده است. موکل من با توجه به شغلش در خارج از کشور زندگی می‌کند. او زمانی متوجه شد خانه‌اش به فروش رفته که بعد از مدت‌ها به ایران بازگشت و دید خانه‌اش تصاحب و تخریب شده است. آرش دو سال قبل از این حادثه به‌عنوان مشتری برای اجاره ویلا به او مراجعه کرد؛ اما آنها به توافق نرسیدند. البته در آن زمان خودش را کیومرث معرفی کرده بود. بعد از اینکه آنها با هم به توافق نرسیدند موکل من ایران را ترک کرد. بعد از دو سال وقتی موکل به ایران بازگشت، متوجه شد ویلایش را تصاحب کرده‌اند. آرش بعد از اینکه متوجه شد موکل من ایران را ترک کرده، با جعل سند ویلا را به نام خودش کرد و باز هم با جعل سند ادعا کرده چند صد هزار دلار به موکل من پرداخت کرده است؛ درحالی‌که چنین پولی به موکل من داده نشده است؛ اما نکته مهم این پرونده آن است که متهم هر زمان که به چنگ قانون می‌افتد، اسناد جعلی را از بین می‌برد و تابه‌حال هم موفق بوده است. او ادعا کرده از خواهر مسوکل وکالت‌نامه داشته؛ درحالی‌که موکل من صاحب آن خانه است. او گفت: موکل من ۸۵ساله است این معامله آن‌قدر عجیب بوده که حتی موکل را به پزشکی

## حوادث

# محاکمه مردی که خانه دکتر مصدق را با جعل سند فروخت

قانونی فرستادند تا سلامت او بررسی شود و پزشکی قانونی نیز هوش بالای موکل و سلامت او را تأیید کرد و مشخص شد ادعای اینکه موکل به دلیل مشکل قدرت تصمیم‌گیری ندارد و خواهرش درباره ملک تصمیم گرفته، دروغ است. موکل در ژاپن زندگی می‌کند و به دلیل بیماری کرونا و لغو پروازها نتوانست در دادگاه حاضر شود. البته ما شاکیتی هم از خانمی که وکیل بوده و در سندسازی به متهم ردیف اول کمک کرده است، مطرح کردیم. این ویلا دوهزار و ۳۰۰ متراست و داخل آن نیز تخریب شده و اموالش از طرف متهم تصاحب و آنجا غیر قابل سکونت شده است.

این باند بعد از اینکه سند جعل کرده و قصد تصاحب ویلا را داشته‌اند، به سراغ سرابردار خانه رفته‌اند. او که فردی بی‌سواد است، قصد داشته به موکل اطلاع دهد؛ اما دست و پای او را بستند و با این ادعا که اعتیاد دارد، او را به زور در یک مرکز ترک اعتیاد بستری و با پرداخت مبلغی پول غیرقانونی به مدیر کمپ مدتی هم او را در کمپ نگهداری کردند؛ اما بعد از مدتی وقتی این مرد از کمپ خارج شد، مشخص شد او اصلا اعتیاد نداشته است.

در ادامه وکیل شاکلی دیگر در جایگاه قرار گرفت. او

نیز گفت: موکلان من هم خارج از ایران هستند. متهم ۱۶ هزار متر زمین آنها را در شمال فروخته و پولش را ن داده و در پرونده‌ای دیگر زمینی را در لواسان با جعل سند و کمک اعضای باندش تصاحب کرده است. سپس شاکلی دیگر در جایگاه قرار گرفت. او گفت: من یک کارمند بازنشسته هستم. این افراد شناسنامه من را جعل کردند و با آن دسته‌چک گرفته و ۲۵۰ برگه چک چند صد میلیون تومانی صادر کردند و هر روز من را برای یک چک برگشتی احضار می‌کنند؛ درحالی‌که اصلا من دسته‌چک نداشتم.

بعد از اینکه دیگر شکات در جایگاه حاضر شدند و شکایت‌های خود را بیان کردند، آرش متهم ردیف اول در جایگاه قرار گرفت و همه چیز را انکار کرد و گفت: من اصلا جعل نکردم و شاکیان خودشان به من وکالت دادند. من اتهامات را قبول ندارم. سند جعلی هم ارائه نادم. خواهر شاکلی اول پرونده خودش به من وکالت داد. او توضیحی درباره اینکه مالک ویلا شخص دیگری بوده است و خواهرش سمتی نداشته، نداد.

سپس دیگر متهمان در جایگاه حاضر شدند و دفاعیات خود را مطرح کردند. با پایان جلسه دادگاه قضات وارد شور شدند.

## قتل زن جوان، عاقبت کنجکاوی درباره ماساز



کرد و با صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. متهم روز گذشته پای میز محاکمه

رفت. در ابتدای جلسه، اولیای دم درخواست قصاص کردند و گفتند گذشت نمی‌کنند. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت. او اولیای دم عذرخواهی کرد و گفت: من کارمند بودم و قناری‌های نژاددار و خیلی گران‌قیمت هم نگهداری می‌کردم و می‌فروختم. در یک کانال تلگرامی عضو بودم که درواهای قناری را از آنجا خریداری می‌کردم. یک روز یک نفر آگهی ماساژ در آن کانال گذاشت و من با شماره‌ای که داده بودند از سر کنجکاوی تماس گرفتم. فقط می‌خواستم ببینم ماساژ چطور است. با زنی که شماره‌اش را داده بودند قرار گذاشتم. وقتی سوسار ماشین شد، پیشیمان شدم و ترسیدم کسی ما را ببیند. خواستم پیاده شوم، اما قبول نکرد و جیغ‌و‌داد کرد. من هم با مشت او را زدم. قصد کشتن نداشتم. متهم یک‌بار دیگر تاکید کرد قصد قتل نداشته و درخواست بخشش کرد. با پایان جلسه دادگاه، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

## رقابت عشقی با جنایت پایان یافت

پلیس و اورژانس را خبر کرده و بعد از آن نیز مردم در آنجا تجمع کرده‌اند. کارآگاهان در کام بعدی به‌سراغ مظنون به قتل رفتند و این پسر را که کاوه نام دارد، در خانه‌اش بازداشت کردند. کاوه بعد از انتقال به پلیس آگاهی تحت بازجویی قرار گرفت و به ارتکاب قتل اقرار کرد. او گفت: من عاشق دختری بودم و بعد از مدتی فهمیدم پسری به نام شهروز نیز به نام خواستم علاقه‌مند است. با شهروز تماس گرفتم و از او خواستم خودش را کنار بکشد، اما او نیز همین خواسته را از من داشت. این‌طور بود که کشمکش‌های ما شروع شد و چندبار با هم بر سر این موضوع جروبحث کردیم، اما هیچ‌کدام حاضر نبودیم آن دختر را فراموش کنیم.

متهم به قتل در ادامه اظهارات خود گفت: روز حادثه برای اینکه تکلیف را روشن کنیم با هم قرار ملاقات گذاشتیم و من سرر قرار رفتم. شهروز هم آمد. ابتدا کمی صحبت کردیم، اما دعوای ما بالا گرفت و کار به زدوخورد کشید. شهروز جاقو داشت، اما من دیگری جاقو از دستش افتاد. من هم او را از روی زمین برداشتم و سه ضربه به او زدم. بعد که شهروز غرق در خون شد و روی زمین افتاد، ترسیدم و به‌سرعت فرار کردم. خیال می‌کردم کسی مرا ندیده و شناسایی و دستگیر نمی‌شوم.

پسر نوجوان بعد از اعتراف به جرمش بازداشت شد تا تحقیقات از او تکمیل و جزئیات قتل روشن شود. بنا بر این گزارش، درحال‌حاضر کارآگاهان مشغول جمع‌آوری تمامی ادله و مدارک مورد نیاز در پرونده هستند.

نگاه

## پیشگیری از تکرار قتل رومیناهای دیگر با نهادهای مردمی

**خدیجه خمدیان‌شورمستی، دکترای حقوق؛**

حادثه دلخراش قتل رومینا اشرفی بار دیگر ضعف سیستم‌های قانونی و اجتماعی در حمایت از اقرار آسیب‌پذیر جامعه را که عمدتا کودکان، نوجوانان، معلولان، زنان و سالمندان هستند، خاطرنشان می‌کند. این روزها که هر کس انگشت اتهام را به سمت‌وسویی خارج از محدوده عملکرد خود نشانه گرفته است، حقوق‌دانان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان پیش از پیش موظف هستند تا به تبیین خلل‌های قانونی و اجتماعی که بالقوه می‌توانست و می‌تواند جان رومینا و رومیناهای دیگر را حفظ کند بپردازند. از دیدگاه یک حقوق‌دان، اولین سؤالی که در این رابطه ممکن است مطرح شود بیش از آنکه نحوه مجازات‌ات عامل یا اعمال‌ان در جرائمی این چنینی باشد، چگونگی پیشگیری از وقوع دوباره چنین جرائم مخوف و سهمناکی در آینده است.

در همین راستا، بی‌شک بالابردن فرهنگ اجتماعی و آگاه‌سازی جمعی نسبت به خرافات و تعصباتی که با اقتضالات زندگی در یک جامعه مدرن در تناقض آشکار هستند می‌تواند در پیشگیری از وقوع چنین جرائمی مؤثر باشد. ازاین‌رو، سازمان آموزش‌وپرورش و نهادهای اجتماعی وابسته با اعمال روش‌های مؤثر در پیگیری وضعیّت رفاهی دانش‌آموزان چه از بُعد اقتصادی و چه از بُعد روانی و در کنار ارائه مشاوره و اقدامات تأمینی و تربیتی فراکیر و باکیفیت در شرایط بحرانی، نقشی کلیدی را در تضمین پیشگیری از وقوع جرائمی این چنینی در آینده ایفا می‌کند.

این راهکار اگرچه سال‌هاست مورد توجه سیستم‌های قانون‌گذاری و نهادهای دولتی و مدنی بوده است، اما همچنان با وجود قوانین مؤثر، از فقر کیفیت در مرحله پیاده‌سازی رنج می‌برد. در این میان نگاهی به سیستم‌های اجتماعی برخی کشورها خبر از وجود راهکاری دیگر می‌دهد که در مقیاس خود می‌تواند عاملی بسیار نتیجه‌بخش در جلوگیری از وقوع جرائمی مانند قتل رومینا، به‌خصوص در شهرستان‌ها و روستاهای روستا باشد؛ به‌عنوان نمونه، در کشور انگلستان، «شبکه دیده‌بان محله» عنوان سازمانی مردم‌نهاد است که در حوزه حمایت از حقوق انسانی و اجتماعی، به‌خصوص حفظ امنیت جانی و مالی شهروندان فعال است. هدف این شبکه، ارتقای کیفیت زندگی و پایین‌آوردن نرخ جرائم مربوط به اموال و اشخاص در میان خانوارهای محله‌های مختلف شهرها و روستاها با استفاده مستقیم از خدمات ساکنان هر محله است.

«شبکه دیده‌بان محله» از طریق برقراری ارتباط مؤثر و تعریف‌شده با نیروی پلیس، از راهکارهایی مشخص برای کنترل عواملی که

مخل امنیت محله و ساکنان آن محل است، استفاده می‌کند. برای پیوستن به این شبکه محلی لازم است ساکنان یا حتی یکی از ساکنان محله برای ثبت دیده‌بان محله خود در دفتر مرکزی سازمان اقدام کنند و تقاضای تشکیل و عضویت در «شبکه دیده‌بان محله» خود را بدهند. سپس یک نیروی داوطلب برای هماهنگی مسائل مربوط به شبکه دیده‌بان محله مزبور و ارگان‌های مربوطه مثل پلیس انتخاب می‌شود.

شایان ذکر است که مسائل مربوط به نحوه شکل‌گیری و اداره «شبکه دیده‌بان محله» با توجه به ساختار فرهنگی و اجتماعی هر جامعه می‌تواند متفاوت باشد. آنچه که در این میان حائز اهمیت است صرفاً تأثیر مثبت وجود چنین شبکه‌ای در پیشگیری از وقوع جرائمی مشابه آنچه برای رومینیای معصوم اتفاق افتاد، است.

«شبکه دیده‌بان محله» درواقع با استفاده کاربردی از ساکنان هر محله، همراه با چارچوب‌های قانونی و اجتماعی مشخص و با تبیین مسائلی که در حفظ امنیت جانی و مالی آنها مؤثر است مسئولیتی نظارتی را به ساکنان آن محل واگذار می‌کند. لازم به ذکر است که این شبکه نه جایگزین نیروی پلیس و سایر نهادهای مربوطه است و نه نقشی در کاهش مسئولیت این ارگان‌ها در حفظ امنیت اجتماعی دارد. این شبکه فقط نهادی محلی است که میزان نظارت و هوشیاری اجتماعی را در مقیاسی گسترده‌تر بالا برده و هر شهروند را در جایگاه خود و به صورت داوطلبانه همراه با رعایت مقررات و محدودیت‌های لازم مسئول حفظ امنیت جانی و مالی خود و اطرافیانش می‌کند. درمقابل، این شهروندان داوطلب به صورت محدود، اما قانونی و در چارچوب شبکه دیده‌بان محله خود قدرت اعمال نفوذ در مسائل اجتماعی از طرقی مانند ارتباط هم‌سوتر و نزدیک‌تر با نمایندگان محلی در مجلس و نیروی پلیس را خواهند داشت؛ به‌طورمثال در پرونده رومینا وجود «شبکه دیده‌بان محله» می‌توانست با بهره‌بردن از نگرانی همسایگان مسئول در شبکه دیده‌بان محله که از نزدیک ناظر بر شرایط رومینا بودند، قدرت برقراری ارتباط و تأثیرگذاری جمعی مؤثرتری بر نهادهای حمایتی اجتماعی داشته و از سرنوشت شومی که برای رومینا به وجود آمد جلوگیری کند.

در پایان لازم به ذکر است «شبکه دیده‌بان محله» بالقوه می‌تواند تحت‌تأثیر ایجاد احساس مسئولیت اجتماعی در حفظ جان و مال دیگر شهروندان در میان ساکنان یک محله، به مرور زمان باعث کاهش رفتارهای اجتماعی مخرب، خرافه‌ها و تعصبات زبان‌آور نیز بشود.

